

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ و باستان شناسی  
پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (MA)  
گرایش: تاریخ عمومی جهان

عنوان:  
بررسی علل و انگیزه های پیدایش رنسانس

استاد راهنما:  
دکتر عباسقلی غفاری فرد

استاد مشاور:  
دکتر فیاض زاهد

پژوهشگر:  
علی بختیاری

پاییز ۱۳۹۲

تقدیم به

تمامی فرهیختگان و علاقه مندان به علم و دانش که

در جهت ارتقاء سطح فرهنگی جامعه خود کوشش

می نمایند.

## تشکر و قدردانی

سپاس آنکه خلق کرد هستی را، ز رحمت بی انتهای خویش تا انسان در  
قدوم خلقتش به پهنای گستره ای به بزرگی جهان خیمه زند و به او عقل داد  
تا عظمت خلقت را دریابد.

لازم می دانم از استاد محترم جناب دکتر غفاری فرد که در تمامی مراحل  
این پایان نامه مرا صمیمانه همراهی نمودند تشکر به جا بیاورم

## تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **علی بختیاری** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی **۹۰۰۷۵۹۱۱۳** در رشته **تاریخ عمومی جهان** در تاریخ **۹۲/۹/۱۱** از پایان نامه خود تحت عنوان **بررسی علل و انگیزه های پیدایش رنسانس** " با کسب نمره **۱۷.۵** و درجه **عالی** دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

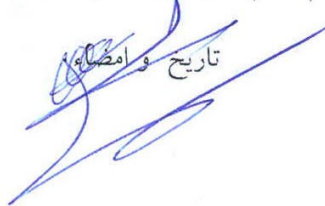
۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: **علی بختیاری**

تاریخ و امضاء



بسمه تعالی

در تاریخ ۹۲/۹/۱۱

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای / خانم علی بختیاری از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره

..... $\frac{17}{5}$ ..... بحروف مختصر و با درجه لیسانس..... مورد تصویب قرار گرفت .



امضاء استاد راهنما

۹۲،۹،۱۱

## فهرست مطالب

### عنوان

### فصل اول : کلیات طرح

صفحه	
۲	مقدمه
۳	۱-۱ بیان مسئله
۴	۲-۱ هدف و اهمیت موضوع تحقیق
۵	۳-۱ سوالات تحقیق
۵	۴-۱ فرضیات تحقیق
۵	۵-۱ متغیرها
۶	۶-۱ روش تحقیق
۶	۷-۱ قلمرو تحقیق
۶	۸-۱ نقد و بررسی منابع و مأخذ

### فصل دوم : انقلاب در کلیسا

۱۰	۱-۲ جامعه قرون وسطا
۲۳	۲-۲ انحطاط کلیسا

### فصل سوم : رنسانس و علل پیدایش آن

۳۸	۱-۳ پایه‌های آوینیون
۵۱	۲-۳ رنسانس , معنا و مفهوم
۶۱	۳-۳ نهضت ادبی و هنری رنسانس
۷۳	۴-۳ جنگ‌های صلیبی
۸۶	۵-۳ ظهور فرقه های نو
۸۹	۶-۳ افزایش ثروت و دارایی
۹۱	۷-۳ صنعت چاپ

### فصل چهارم : رنسانس در خارج از ایتالیا

۹۷	۱-۴ نخستین پیشگامان و متفکران در ایتالیا و خارج از آن
۱۰۲	۲-۴ سلطنت‌های جدید
۱۰۶	۳-۴ تجدید حیات علمی و ادبی

### فصل پنجم : اصلاحات مذهبی و انقلابات فکری

۱۱۲	۱-۵ مذهب پروتستان و انسان‌گرایان
۱۲۰	۲-۵ اصلاحات و کاتولیک
۱۲۴	۳-۵ اکتشافات و گسترش علوم و فنون
۱۳۵	۴-۵ اندیشه های سیاسی

### فصل ششم : نتیجه

۱۴۳	نتیجه
۱۴۸	منابع و مأخذ
۱۵۷	تصاویر
	چکیده لاتین

## چکیده

همواره سوالات زیادی در ذهنم ایجاد می شد ، در باب اینکه : به راستی چگونه مردم توانستند از دوران قرون وسطی عبور کرده و آن را پشت سر نهند ؟ چه عواملی موجب شد که آن همه فشارهای دینی و مذهبی که بر تمامی جوانب زندگی مردم سایه سنگینی انداخته بود ، به یکباره فروکش کند ؟ آیا دگرگونی در بخش فرهنگ و هنر ، صنعت و اختراعات عاملی بود در پیشرفت ایتالیا و البته جوامع دیگر؟ این دوران از ادوار مهم تاریخی در ایتالیا و همچنین کشورهای دیگر اروپا و البته تا حدودی در برگیرنده مشرق زمین می باشد . از درون این عصر افرادی صاحب نام برخاستند که با علم و هنر ، توانایی و نبوغ خود موجبات پیشرفت تمدن و فرهنگ جهان خود را رقم زدند ، که البته این خود بستری را جهت شهرت و اعتلاء و اعتبار آنها فراهم نمود. افرادی ثروتمند بودند که بعد از قرون وسطا به واسطه ثروت خود به دنبال کسب اعتبار و منزلت اجتماعی بودند ، این افراد در دوران رنسانس برای رسیدن به شهرت متمایل به خرج ثروت خود در مسیر هنر بودند ، می توان گفت که دلیل این امر وجود هنرمندانی بزرگ بود که به دنبال برگرداندن هنر کلاسیک یونان بودند ، پس چه مسیری بهتر از این ، در واقع یک نوع رابطه دو گانه میان ثروت مندان و هنرمندان ایجاد شد ، ثروتمندان با پول خود هنر مندان را تشوق به خلق آثار بسیار زیبا و بی مثال می کردند و به این ترتیب در خلال این امر نامی برای خود می خریدند . نتیجه این امر از دید آثار هنری و ارتقای سطح فرهنگ جامعه بود ، مجسمه ، نقاشی ، ساختمانهای مجلل ، چاپ کتاب ، لباسهای زیبا و ..... که مایه مفاخر آنها بود . اصلاحات مذهبی با هنجارشکنی های مارتین لوتر و شکوفایی مذهب پروتستان ، سیطره کلیسای کاتولیک و سنتی قرون وسطایی را سست می کرد . مردمانی که بعد از جنگهای صلیبی و البته تحمل رنج و عذاب ، کشته و زخمی شدن بسیاری از نزدیکانشان و شیوع بیماری های مهلک ، به تنگ آمده بودند ، و فقط به دنبال مسیری بودند که آنها را به آرامش منتهی گرداند . آشنایی صلیبیون با دستاوردهای مشرق زمین ، دیدن تجملات و وسایل و امکانات رفاهی موجود در مشرق ، از ظروف و البسه و مواد غذایی گرفته تا کتاب و جواهرات این فکر را در آنها بوجود می آورد که می توان رنگ زندگانی و شیوه آن را تغییر داد .

در این پایان نامه در شش فصل ، مطالبی گرد آوری شده که تاحدودی یاد آور فضای آن دوران می باشد . فصل اول و مقدمه مختصری در باب قرون وسطی و فراهم آمدن بستری برای رنسانس می باشد . فصل دوم ، از انحطاط کلیسا و جامعه قرون وسطی مطالبی گرد آوری شده . فصل سوم ، در مورد رنسانس و علل پیدایی آن بحث شده . فصل چهارم ، رنسانس در نقاط دیگر جهان و جوامع دیگر مورد بررسی قرار گرفته . فصل پنجم ، شامل اصلاحات مذهبی ، انقلابات فکری، اکتشافات و اندیشه های سیاسی می باشد . این پایان نامه با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی به انجام رسید و در واقع علاقه ام به دوره رنسانس و عللی که موجب پیدایش این دوران ، ایجاد تحولات شگرف در زمان خود و اعصار دیگر داشت ، محرکی در انتخاب موضوع و نوشتن آن را داشت .



واژه های کلیدی : رنسانس ، کلیسا ، قرون وسطی ، ایتالیا ، جنگهای صلیبی ، اصلاحات ،  
اکتشافات ، هنر ، پیشرفت .

# فصل اول

## مقدمه

شناخت اروپا که امروزه از قطب های اصلی قدرت در دنیا به شمار می رود و کوشش دارد همواره به صورت نیرویی قدرتمند در جهان ظاهر شود ، برای عموم علاقمندان به تحولات سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی ، حایز اهمیت است . باید توجه داشت که تاریخ صرفا شرح جنگها و سفاکیها و بی رحمیهای فرماندهان و فرمانروایان نیست ، که تاریخ ، شرح کوششها و فعالیتهای اجتماعات انسانی در دوران های مختلف تاریخی در زمینه سیاست ، حکومت ، مذهب ، هنر ، علم و ادب و آیین و رسوم و غیره است . رمز ترقی اقوام و انحطاط و سقوط آنها را با بیانی ساده آشکار می کند و اثری که این تمدنها در سایر اقوام و ملل داشته است را بررسی می نماید .

تاکنون تاریخ بشر ، جز تاریخ کوششهای انسان برای کشف خود و دنیایش نبوده است . در میان دورانهایی که به پیشرفت بشر در شناخت خود و دنیایش کمک کرده ، دوران رنسانس مقامی ممتاز دارد . امروزه نیز ، هر بار که ما دفتر این ماجرای فکری را ورق می زنیم ، خود را در برابر تمدنی می بینیم که به قول هگل : (( برای نخستین بار ، از بازگشت روزهای خوش ، پس از طوفانهای دراز ، بشارت می دهد )) . در واقع خشک شدن سرچشمه ی نیروی تخیل قرون وسطایی موجب شد که درهای تازه ای در برابر روح جستجوگر انسان دوران رنسانس گشوده شود . اراده کشف مرزهای نوین نه تنها در عالم علوم و فنون ، بلکه در قلمرو جغرافیایی نیز ، سبب شد که تصاویر تازه ای از انسان ، کره ی زمین و گیتی پدید آید . بنابراین می توان با (( الکساندر کویره )) هم آواز شد و گفت (( که آدمی از جهان محدود و بسته ی قرون وسطایی پای بیرون گذارد تا به جهان بی پایان رنسانس گام نهند )) . رنسانس به عنوان آخرین مرحله ی قرون وسطی از درون استبداد فئودالی و آموزش و توسعه ی هنر و ادبیات کلاسیک سر بر آورد ، که خود آمیزه ی جدیدی را نوید می داد . رنسانس را باید چیزی بیش از احیای دوران باستان دانست . در ابتدا تحولی که در ایتالیا رخ داد در جریان آن جنبش بزرگ عقلانی (( اومانیزم )) ظاهر شد . حرکت اومانیزم در مراحل آغازینش احیاگر فرهنگ و علوم کلاسیک بود و حامیان ثروتمند در جستجوی حجاران و علمای قدیمی برای باب کردن هنر و ادبیات یونان و روم در مدارس بودند و آنان را از نظر مالی حمایت می کردند ، همین توجه به دوران باستان به نسخه برداری از اشکال هنری و آثار ادبی کهن منجر گردید . بزرگترین دستاورد اومانیزم آن بود که تاکید بر هویت انسانی را در فرهنگ غربی وارد ساخت ، در یک کلام رنسانس چیزی جز تاکید کامل و برجسته بر فرد گرایی در هنر ، شعر ، علم ، کشفیات و مذهب نبود . در حالیکه سنت قرون وسطایی اهمیت کمتری را بر این مقوله ها قایل بود .

بدون شک تاریخ اروپا از ابعاد و جوانب مختلف دارای فراز و فرآورده های فراوان بوده است و اساسا اروپاییان در سیر تمدنی خویش تحولات گوناگونی را تجربه نموده اند . بخش عمده ی این جریانات و حوادث بصورت مکتوب در حافظه تاریخ باقی است و در گذر زمان با انگیزه ها و تفکرات و ایده های متفاوت مورد نقد و بررسی واقع گردیده است و به یقین هر یک از رخ دادها با توجه به نوع حادث بودنش ، اثرات خاص خود را به دوست دارانش عرضه می نماید و اساسا

یکی از جریان‌های حائز اهمیت تاریخ اروپا مساله رنسانس می باشد . با توجه به نقش و اثرات آن در ابعاد فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، هنری ، معماری و ..... در جامعه ، با رعایت اصل اختصار در این رساله به بررسی علل و انگیزه های رنسانس در ایتالیا به عنوان کانون و جایگاه اولیه ی رنسانس در اروپا امعان نظر خواهد شد . در تدوین این رساله ی تحقیقی هدف اصلی این بوده است که علل و انگیزه های وقوع رنسانس را شرح دهیم و از ذکر حوادث تا حد امکان بپرهیزیم .

## ۱-۱ بیان مسئله

رنسانس **Renaissance** یا نوزایی ، جنبش فرهنگی مهمی بود که آغازگر دورانی از انقلاب و اصلاحات مذهبی و پیشرفت هنری در اروپا شد . عصر نوزایی دوران گذار بین سده های میانه و دوران جدید است . نخستین بار واژه رنسانس را فرانسوی ها در قرن ۱۶ م بکار بردند ، آغاز دوره نوزایی را در سده ۱۴ م در شمال ایتالیا می دانند . رنسانس یک تحول ۲۰۰ ساله است که در سالهای ۱۳۰۰ از ایتالیا آغاز و در انگلستان پایان یافت و در طول ۳ قرن در سراسر اروپا انتشار یافت . رخدادهایی گوناگون که منجر به تغییرات اساسی گردید ، برآستی آیا می توان رنسانس را پایه اقتصادی ، سیاسی ، هنری و علمی اروپا دانست ؟ دانش و هنر ، پیشرفتهای عظیمی در ایتالیا سده ۱۵ و ۱۶ بوجود آورد که این احیای فرهنگی به رنسانس مشهور شد . در این دوران دانشمندان ، فیلسوفان و هنرمندانی ظهور کردند که با الهام از میراث اصیل روم و یونان با دیدگاه تازه تری به جهان می نگریستند ، نقاش ها به مطالعه کالبد انسان پرداختند و اعضای بدن انسان را به شیوه واقع گرایانه ای نقاشی کردند ، فرمانروایان ساختمان ها و کارهای بزرگ هنری سفارش می دادند ، آیا این ذوق و شور فراوان به هنر چیزی جز شهرت برای آنها به ارمغان داشت ؟ آیا این عقاید تازه به زودی در سراسر اروپا گسترش می یافت و جامعه نو و صنعتی را در مقابل خود می دید ؟ در میان علل و شرایطی که می توان برای این تحول بزرگ برشمرد ، وقوع جنگهای صلیبی ، نقش نهضت ترجمه ، حمایت و تشویق هنرمندان و ادبا توسط اشراف ، افزایش ثروت و دارایی ، اختراع چاپ ، بروز نهضتهای جدید فکری و قدرت گرفتن افرادی همچون خاندان مدیچی ، تغییر سیستم فئودالی ، رشد سرمایه داری و صنعتی شدن را می توان برشمرد .

## ۲-۱ هدف و اهمیت موضوع تحقیق

تحولی که رنسانس در اروپا ایجاد کرد نه تنها خود اروپا ، بلکه بر قسمتهای مختلف جهان از جمله آسیا تاثیر گذاشت . چنین نوزایی و دگرگونی که منجر به ایجاد جهانی نو در صنعت ، هنر و علم گردید را نمی توان نادیده گرفت . اهمیت رنسانس از آنجاست که مبدا عصری نوین و نقطه عطفی در تاریخ جهان به شمار می رود . معرفی هر چه بیشتر این موضوع و بررسی عوامل مختلف ایجاد این تحول خود موجب رشد و پیشرفت فرهنگی جوامع دیگر خواهد شد . با خواندن مطالب گوناگون و بهره گیری از تجارب اساتید مجرب ، انگیزه تحقیق در این زمینه در حد توان ایجاد گردید . هدف از پژوهش در این زمینه ، ارزشیابی این تحول بزرگ و علل ایجاد

آن در اروپا می باشد که منجر به فراهم شدن بستری در جهت شکوفایی هنر ، صنعت و علم گردید . توجه به مساله رنسانس ملاحظاتی را برای فرد ایجاد می کند که تاملی کرده و با برشمردن دلایل پیشرفت کشورهای غربی در غالب مسائل گوناگون سعی در شناخت این نوزایی برای پاسخ دادن به چرایی های ذهنش برآمده و با استفاده از آن تجارب و دستاوردها ، اندکی در جهت رشد و شکوفایی فرهنگی جامعه خود گام بردارد .

### ۳-۱ سوالات تحقیق

سوال اصلی :

علل و انگیزه های پیدایش رنسانس را بیان کنید ؟

سوالات فرعی :

- ۱) آیا رنسانس دیگر کشورهای اروپایی تحت تاثیر تحولات فلورانس بود ؟
- ۲) آیا ثروتمندان و اشراف نقش مهمتری در رشد هنر رنسانس داشتند ؟
- ۳) آیا تاثیر مخرب جنگهای صلیبی موجب رویگردانی مردم از مذهب و کلیسا شد؟

### ۴-۱ فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی :

علل پیدایش رنسانس و گسترش آن را می توان در تحولات مذهبی و نوعی جهش فکری در مردم دانست .

فرضیه فرعی :

- ۱) رنسانس را می توان پایه و اساس تمام تحولات اروپا دانست .
- ۲) هنرمندان و دانشمندان بر اثر ثروت نجبا به کشفیات جدید تشویق شدند .
- ۳) در آلمان ، فرانسه ، هلند و انگلستان رشد صنعتی بواسته رنسانس بوجود آمد .
- ۴) تاثیر عمیق رنسانس را در آسیا هم می توان به چشم دید .

### ۱-۵ متغیرها

متغیر مستقل :

علل و انگیزه ها ( سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی )

متغیر وابسته :

رنسانس

### ۱-۶ روش تحقیق

روش بکار رفته در این تحقیق توصیفی - تحلیلی است . این پژوهش مروری کتابخانه ای و اسنادی در زمینه رنسانس ، حوزه نفوذ آن از ایتالیا به دیگر کشورها و در واقع چگونگی شکل گیری عللی که موجبات آن رافراهم ساخت با تکیه بر منابع متقدم ( تاریخ ویل دورانت و ... )

را دارد که در ابتدا با فیش نویسی از منابع ، و آنگاه با مقایسه فیش ها و تطبیق آنها با یکدیگر مطالب گرد آوری شده مورد دقت نظر قرار گرفته ، سپس به تحلیل مطالب به روش علمی و با استدلال منطقی پرداخته و همچنین کوشش شده در مواقع لزوم مباحث گوناگون مورد بحث قرار گیرد .

## ۱-۷ قلمرو تحقیق

قلمرو و محدوده تحقیق از زمان قرون وسطی تا قرن پانزدهم میلادی و گسترش کامل رنسانس در تمام اروپا و چگونگی وقوع آن می باشد .

## ۱-۸ نقد و بررسی منابع و مآخذ :

### ۱-۸-۱ منابع

#### ۱-۸-۱-۱ ماکیاولی و اندیشه رنسانس

کتاب ماکیاولی فیلسوف سیاسی و شاعر قرن چهاردهم میلادی سرشار از توصیه های اخلاقی و اندرز به پادشاهان دوره رنسانس می باشد ، بیشتر دوران وی از آن جهت اهمیت دارد که ماکیاولی برخوردهای زیادی با بزرگان هم دوره خود همچون پاپ و لویی دوازدهم فرانسه و سزار بورجیانا شاهزاده واتیکان ، داشته بود . وی در این کتاب در باب آداب رنسانس بخشهایی را مکتوب دارد . اما بطور کل به دلیل حمایت ماکیاولی از حکومتهای فاسد دوران خود ، امروزه حکومتهای فاسد را ماکیاولیستی می نامند .

#### ۱-۸-۱-۲ کمدی الهی

دانته نویسنده کتاب کمدی الهی به سفر خیالی خود به دوزخ ، برزخ و بهشت اشاره دارد . راهنمای وی در این سفر ویرژیل شاعر بزرگ ایتالیاست . این کتاب در قلب قرون وسطی نوشته شده و حاصل اندیشه ، تفکرات و جهان بینی دانته می باشد . شجاع الدین شفا اولین مترجم فارسی این اثر به زبان فارسی است که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۵ توسط انتشارات امیر کبیر به چاپ رسید . کمدی الهی دانته در سه جلد معرف هنر نقاشی ، ادبیات و شعر کلاسیک دوره قرون وسطی و رنسانس و به زبان ایالت توسکانی ، گویش برتر زبان ایتالیایی است .

#### ۱-۸-۱-۳ سیاست

این کتاب در شش بخش شامل هشت کتاب توسط ارسطو نگاشته شده است ، بخش اول شامل کتاب اول درباره خانواده ، بخش دوم شامل کتاب دوم درباره نظرات افلاطون و نقد حکومت یونان ، بخش سوم شامل کتاب سوم درباره قانون اساسی ، بخش چهارم شامل کتابهای چهارم و پنجم درباره دموکراسی و علل انقلاب ها در حکومتها ، بخش پنجم شامل کتاب ششم درباره روش تشکیل دموکراسی ها و پایداری آنها ، بخش ششم شامل کتابهای هفتم و هشتم درباره حکومت کمال مطلوب ، است . حمید عنایت مترجم این اثر ، نثر این کتاب را مانند کتاب مثنوی معنوی مولانا دانسته و به نظر مترجم ارسطو کتاب سیاست را از گفتارهای گوناگون فراهم کرده است . اهمیت این کتاب در فلسفه و سرچشمه اصلی اندیشه های سیاسی تا پایان قرون وسطی است .

## ۱-۸-۲-۲ مأخذ

### ۱-۸-۲-۱ تاریخ تمدن ویل دورانت

اثر ویلیام جیمز دورانت ، ترجمه ابوطالب صارمی ، انتشارات علمی و فرهنگی ، نویسنده در این کتاب توانسته است با استفاده از آثار مورخان دیگر از دوره هرودوت تا آرنولد توین بی ، مکتب نوینی از تاریخ نگاری را بوجود آورد . کتاب تاریخ رنسانس وی ، جلد پنجم از مجموعه یازده جلدی اوست که به بررسی تحولات ایجاد شده در اروپای قرون وسطی و تحلیل چگونگی وقوع رنسانس تا انحطاط آن ، پرداخته شده است .

### ۱-۸-۲-۲ تاریخ جهان لاروس

اثر لاروس ، ترجمه امیر جلال الدین اعلم ، انتشارات سروش ، مجموعه دو جلدی شامل روزگار باستان و قرون وسطی تا روزگار نو از قرون پانزدهم تا بیستم . این اثر شامل سرگذشت بزرگان نامی و پادشاهان ادوار مختلف همراه با تصاویر است ، این کتاب در مورد دوره رنسانس بالاخص اکتشافات و دستاوردها آن ، اشاره شده .

### ۱-۸-۲-۳ تاریخ جهان نو

نوشته رابرت روزولت پالمز ، ترجمه ابوالقاسم طاهری ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۸۶ ، این اثر شامل دو جلد است که از قرون وسطی تا روزگار ناپلئون بناپارت نگاشته شده ، در مورد کلیسای قرون وسطی و اصلاحات کلیسای کاتولیک از این کتاب استفاده شده ، موضوعات ذیقیمتی در باب اختراعات و سفرهای اکتشافی که نگارنده در بخشهایی از تحقیق از آنها استفاده کرده است .

### ۱-۸-۲-۴ تاریخ جهان

اثر جان موریس رابرتس ، ترجمه منوچهر شادان ، انتشارات بهجت ، ۱۳۹۱ ، این کتاب تاریخ تحلیلی جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم است . نویسنده در پیشگفتار این اثر به این نکته اشاره دارد که کتاب تاریخ جهان کتابی است بسیار قطور و چالش برانگیز ، وی اذعان دارد که برای نوشتن تاریخ نمی توان آن را خلاصه و فشرده ساخت ، صرف نظر از شیوه نگارش کتاب برخی وقایع با اینکه کوچک هستند ولی به تفسیر کشیده شده است . فصل هفتم کتاب در مورد شکل گیری اروپا و مسیحیت قرون وسطا پرداخته که تا فصل هشتم یعنی اکتشافات و شکل گیری جهان مدرن ادامه دارد که مورد توجه نگارنده بوده است .

### ۱-۸-۲-۵ فرهنگ رنسانس در ایتالیا

کتاب فرهنگ رنسانس اثر یاکوب بورکهارت از جمله کتبی است که به شرح اختصاصی در مورد تحولات قرن چهاردهم در ایتالیا و نفوذ رنسانس در کشورهای همسایه است . این اثر توسط محمد حسن لطفی ترجمه و در انتشارات طرح نو به چاپ رسیده است . نگارنده در بخش اخلاق فردی و مکتب اومانیزم از این کتاب استفاده کرده است .

# فصل دوم

## انقلاب در کلیسا

### ۱ - ۲ - جامعه قرون وسطی :

قرون وسطی (سده های میانه ) ، یکی از چهار دوره تقسیم بندی تاریخ اروپاست ، این چهار دوره عبارتند از : دوران باستان ، قرون وسطی ، عصر نوزایی یا همان رنسانس و دوران جدید یا مدرن که از ۱۶۰۰ م شروع می شود . به طور معمول قرون وسطی را از پایان امپراطوری روم غربی در ۴۷۶ م تا آغاز قرون جدید یعنی سقوط قسطنطنیه یا کشف قاره آمریکا در ۱۴۹۲ م و پایان امپراطوری روم شرقی یا بیزانس در سال ۱۴۵۳ م در نظر می گیرند . دوره ای که سلطان محمد فاتح قسطنطنیه را تصرف کرد ، بیزانس با پایتختی قسطنطنیه در تمام طول قرون وسطی به حیات خود ادامه داد ( غفاری فرد ، ۱۳۹۰ ، ۱۶۲ ) .

قرون وسطی در طول تاریخ اروپا یکی از مهمترین مراحل تاریخی به حساب می آید که از ۴۰۰ تا ۱۴۰۰ م را در بر می گیرد . در بعضی موارد واژه دوران تاریک ، **darkage** ، را



به جای قرون وسطی استفاده می کنند که از ویژگی های آن تاریک اندیشی ، اختناق، حاکمیت اولیا و اصحاب دینی در مناصب مختلف است . مردم صدر قرون وسطی به فکر ترقی و پیشرفت نبودند . زیرا افکار آنها حول معنویات و راه نجات و رستگاری در آخرت دور می زد ( پالمر ، ۱۳۸۶ ، ۴۸ ) .

در این دوران دین به عنوان یک مکتب کلی بر تمام جامعه سیطره انداخته و هیچ حرکتی خارج از این مقاله قابل تبیین نیست . دین ، نوعی اقتدار همه گیر در حوزه سیاست ، اقتصاد، جامعه و فرهنگ و افراد تحت نظارت و کنترل دقیق خود را دارد . دوران قرون وسطی را بر حسب دوره های زمانی به سه مرحله می توان تقسیم بندی کرد ، ۱- قرون وسطای اولیه یا متقدم ، سه قرن اول ۳۵۰ - ۵۵۰ م ، ۲- قرون وسطای ثانویه یا میانه از قرن ۶-۷ تا ۱۲-۱۳ م ، ۳- قرون وسطای متاخر یا عالی ، از قرن ۱۴ تا ۱۶ م ، در قرون وسطای اولیه که بعد از فروپاشی امپراطوری روم و یونان و یا تغییر کیش این نظام ها به مسیحیت ، آرام آرام شاهد تحول در ساختار اجتماعی و اقتصادی هستیم ، عمده ترین تحول ، در زیر بنای اقتصادی این جوامع صورت می گیرد . یعنی نظام تولیدی مبتنی بر برده داری ، جای خود را به نظام تولید مبتنی بر ارباب و رعیتی یا فئودالیت می سپرد ( نوذری ، ۱۳۷۳ ، ۱۲۴ ) . در نظام فئودالیت همانند نظام برده داری ، دو طبقه اجتماعی اصلی در ارتباط با مناسبات تولید نقش تعیین کننده دارند ، ۱- طبقه فئودال یا زمین دار ۲- طبقه عظیم و گسترده دهقانان و کشاورزان . در طبقه فئودال ، صاحبان املاک و اراضی ، کشتزارها ، مزارع ، چمنزارها ، مرغزارها، شکارگاهها و حتی بیابان ها و کوه ها که در قالب قلعه ها ، ده ها و قصبه ها ی اربابی هستند ، به عنوان اراضی تحت مالکیت این اشخاص محسوب می شود ، از طرفی در طبقه دهقانان و کشاورزان که همراه با طبقات میانی و واسط دیگر می باشند ، یک نوع تمایز بین نظام فئودالیت به عنوان نظام سیاسی با نظام کلیسا به عنوان نظام فکری ، فرهنگی به چشم می خورد ، کلیسا و دولت در موازات هم حرکت می کنند که گهگاه تضاد و همکاری هایی بین آنها حادث می گردد . نظام فئودالیت به برای تداوم خود نیازمند نوعی عقاید رسمی است تا بتواند به کمک آن ایدئولوژی ، به توجیح اعمال و رفتار خود پرداخته و اقدامات خود را مشروع سازد . بنابراین در این دوران اربابان، دولت ، مقامات و اولیا سیاست ، متوجه کمک گرفتن از اصحاب کلیسا و روحانیون می شوند ، یعنی نیاز دارند که پایه های فقهی و شرعی این ساختمان فراهم شود . کلیسا نظام سیاسی فئودالیت را تقدیس می کند ، پس به همین دلیل توده ها در مقابل آن سر تعظیم فرود می آورند ، در واقع مجبور هستند که کرنش کرده و اطاعت امر کنند ، زیرا تنها از همین راه است که می توانند به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند ( کاسمینسکی ، ۱۳۸۶ ، ۲۹ ) . در قرون وسطای ثانویه ، این مرز بندی ، تفکیک دین و سیاست ، از میان برداشته می شود ، تا پیش از این ، این دو طبقه جدا بودند و با هم کاری نداشتند ، اما با ورود وسطای میانه ، کلیسا داعیه سیطره یافتن بر عالم سیاسی را در سر می پروراند ، به عبارتی دیگر ، بین دین و سیاست نوعی وحدت ایجاد می شود ، پاپ ها هستند که پادشاهان را تعیین می کنند و بر آنها نظارت کامل دارند و پادشاهان بوسیله این تایید، قدرت فراوان پیدا کرده که از این قدرت در جهت حمایت و

پشتیبانی از کلیسا بر می آیند ، نوعی التزام برای پادشاهان در تایید احکام خود و مخلوط کردن احکام حقوقی و شرعی ، خواه نا خواه در چنین وضعیتی کمتر کسی می تواند معترض به رای پادشاه که مورد تایید اولیا و اصحاب کلیساست ، باشد . اعتقاد به دینداری و شریعت در این مرحله بیش از پیش به نفع حاکم و مذهبیبون خواهد بود . اعتقاد به خداوند و اینکه همه در مقابل امر خداوند مطیع هستند و اوست که افرادی را بر روی زمین بر می گزیند تا دستوراتش را بوسیله این افراد صالح و مقدس بر خلق مردم روان کند ، در چنین وضعیتی نا فرمانی از امر خدا یا فرستاده خدا که ولی اوست ، به معنای کفر و محاربه می باشد ، حال آنکه احکام سیاسی و حقوقی با این تفکرات آمیخته شود . حد نافرمانی و خطا در امور دولتی ، سیاسی یا روزمره ، بر حسب حدود دینی محاسبه می شد و سخت ترین احکام جاری میگشت ( همان ، ۱۳۸۶ ، ۳۰ ) .

در مراحل پایانی قرون وسطی یعنی قرون وسطای پایانی یا متاخر ، با ظهور و بر آمدن جنبش های اجتماعی و سیاسی مختلف همراه است ، زمینه ها برای پیدایش نهضت های فکری و علمی ، در نهایت سر بر آوردن در سده ۱۴ و ۱۵ م ، که از آن تحت عنوان دوران نوزایی یاد می شود . در این دوران ، دستگاه نظام فلسفی کلیسا که از قرن یازدهم میلادی شروع شده بود و همچنان تا قرن هفدهم ادامه پیدا کرد ، یعنی نظام موسوم به اسکولاستیک ، که به آیین مدرسی معروف است . مبنای اصلی توجیح و دفاع از حاکمیت کلیسا و دستگاه دین و دولت محسوب می شد ، این آیین مبتنی بر آموزه های مسیحیت همراه با گرایش های فلسفی افلاطونی ، فیثاغورث ، آراء روحانیون و نقطه نظرات فلوطین یا نطله نو افلاطونی و دیدگاه های سنت آگوستین است ، استفاده از آراء و اختراعات و اکتشافات در علوم مختلف نظری و عملی بخصوص در طب و هندسه و بهره گیری از علوم مشرق زمین و نهایتا رسیدن به مرحله ای از رشد شکوفایی که به یکباره جامعه اروپا را دچار تحول شگرفی کرد که در واقع می توان بخش عمده پیشرفت اروپای کنونی را مرهون همان دوره دانست . دوران قرون وسطی در جامعه فئودالی اروپا ، صحنه نبرد فکری اندیشه های فلسفی ، نومیالیسم و رئالیسم بود ، که در واقع اشکالی از ماتریالیسم و ایده آلیسم هستند . قرون وسطی عصری است که طی آن هویت غرب به معنی آنچه امروز می شناسیم شکل گرفت . اصطلاح قرون وسطی در زبان فارسی ، ترجمه اصطلاحات اروپایی آن است ، مورخان ، این دوره تاریخی را به عنوان عصری که بین دوره یونانی - رومی ، که دوره قدیم خوانده می شود و دوره جدید و معاصر قرار دارد ، معرفی می کنند . بدین جهت است که این دوره ، قرون وسطی نامیده می شود ، معمولا شروع آن را قرن ۵ م با سقوط امپراطوری روم غربی و پایان آن را ظهور رنسانس و دوره جدید در قرن ۱۶ م در نظر می گیرند ، عده ای مورخان تاریخهای دقیقتری را به عنوان سالهای شروع و پایان این عصر ذکر می کنند ، برای مثال می توان سال ۱۴۵۳ م را که تاریخ تسخیر قسطنطنیه ( استانبول ) به دست عثمانیان است یا کشف آمریکا در سال ۱۴۹۲ م ، را به عنوان وقایع تاریخی مهم برای اتمام این دوره دانست ( غفاری فرد ، ۱۳۹۰ ، ۱۶۲ ) .

در طی قرون وسطی تمدن اروپای غربی به مرحله ای از تباهی شدید دچار شد . در امپراطوری شرقی با امپراطوری بیزانس تداوم تمدن تا زمان تاراج قسطنطنیه به دست جنگجویان صلیبی در

۱۲۰۴ م ناگسسته ماند ، و به شکلی خفیف تا ۴۵۳ م که ترکان ، شهری در هم شکسته را گرفتند ادامه یافت ( لاروس ، ۱۳۸۳ ، ۲۷۴ ) .

برای حدود تاریخی این دوره از لحاظ فلسفی ، عده ای از مورخان فلسفه تقسیم بندی تاریخی مورخان دیگر را رعایت کرده اند . ولی کسانی هم هستند که ابتدای فلسفه قرون وسطی را تا قرون اول یا دوم میلادی به عقب می برند . اینان سبب این امر را هماهنگی نوع فلسفه ای در نظر می گیرند که با مسیحیت از این قرون شروع می شود و تا رنسانس ادامه می یابد ، در مقابل اینان ، مورخانی هم هستند که معتقدند دوره آباء کلیسا ، عصر خاصی است با خصوصیات فرهنگی متفاوت با قرون وسطی است ، این گروه فلسفه قرون وسطی را از اوگوستینیوس یا حتی بوئیتیوس دولتمرد و فیلسوف رومی اواخر قرن پنجم ، یعنی از قرن پنجم میلادی مورد بحث قرار می دهند ، برای عده ای دیگر نیز بسته شدن مدارس فلسفی آتن بدست ژوستینیانوس ، امپراتور مسیحی روم شرقی در ۵۲۹ م را انتهای فلسفه یونان و ابتدای فلسفه قرون وسطی می دانند ( راس ، ۱۳۸۷ ، ۹۵ ) . برخی دیگر حتی تا قرن ۸ م پیش می آیند و اصلاحات شارلمانی اولین امپراتور بزرگ مسیحی غرب پس از سقوط روم غربی را ابتدای این دوره در نظر گرفته اند و پایان دوران قرون وسطی و فلسفه آن را ظهور رنسانس می دانند . امپراطوری روم که به دو بخش شرق و غرب تقسیم می شد ، در یک بخش مردم به زبان لاتین و در بخش دیگر به زبان یونانی تکلم می کردند ، قسمت غربی شامل قسمتهایی از اروپا ، آفریقا و آسیا بود ، قسمت آفریقایی شامل تونس و الجزایر ، و قسمت آسیایی شامل شبه جزیره آسیای صغیر می شد . همزمان با تجزیه امپراطوری روم ، انتشار و اشاعه دیانت مسیح به سرعت می انجامید ، در طول تاریخ امپراطوری روم تقریباً از همه طرف با اقوام و مردمانی که آنها را بربری می خواندند محاط بود . سرزمین اسپانیای امروزی از بعد از جنگ دوم پونیک به دست روم افتاده بود ، اما کشورهای اطراف حوزه دریای مدیترانه ، سراسر اروپای شمالی و مرکزی از رم جدا و مستقل شده بودند ( نهرو ، ۱۳۸۶ ، ۱۶۳ ) .

سلت های وحشی در ویلز و اسکاتلند ، ژرمنها در قلب اروپا ، ایرانی ها یا پارتها در مشرق ، بربرها ، که نخستین بار یونانی ها از آن استفاده کردند ، آنها تمام مردم غیر یونانی را بربر می نامیدند و مقصودشان غیر متمدن بود - بربری فقط به مفهوم قدیم آن ، یعنی اقوامی که نه به زبان یونانی تکلم می کردند و نه به زبان لاتین - و امپراطوری در جنوب شرقی و جنوب که اعراب در داخل صحرا قرار داشتند ، محو می گردید ( غفاری فرد ، ۱۳۹۰ ، ۱۵۶ ) . این بربریان به استثنای ایرانی ها ، هرگز طعم تمدن باستانی را نچشیده و بیسواد ، خانه بدوش ، کمابیش چادر نشین و متمایل به جنگ و ستیز بودند . رومی ها به دور امپراطوری خود خطی کشیدند که از آن خط به ندرت تجاوز می کردند و اقوام بربری را هم رخصت عبور از آن خط نمی دادند ، اما اقوام بربر بدرون این خط نفوذ کردند ، تا جایی که در قرن سوم حتی شاهد استفاده از این بربرها در داخل قشون امپراتوری روم هستیم و زمانی که خدمت آنها در صفوف نظام به سر می رسید ، به آنها قطعه زمینی زراعی داده می شد و بدین ترتیب بربرها بعد از مدتی مقیم همان منطقه شده و زن اختیار می کردن و تشکیل خانواده می دادند . بعد از مدتی روم غربی از اقوام بربر چنان

پُر شد که تشخیص آنها از رومی های اصیل مشکل بود ، این اقوام آرام آرام جذب آب هوای گرم مدیترانه شده و وارد این مناطق شدند ، در آغاز اکثر بربرها از ژرمن ها بودند ، آنگل ها و ساکسون ها در حدود ۴۵۰ م بر خاک انگلیس دست انداخته و در همان تاریخ اقوام فرانک ، گال را گرفتند ، واندال ها در ۴۲۹ م تا ایالت آفریقای روم به هم رسیدند ، گت های شرقی در سال ۳۸۲ میلادی در آسیای صغیر و در ۴۹۳ به ایتالیا رسیدند ، گت های غربی در حدود ۳۸۰ میلادی متوجه قسطنطنیه گشته و در سال ۳۹۶ م یونان را تسخیر و در ۴۱۰ م روم را تاراج و در ۴۲۰ م به اسپانیا رسیدند . در برخی از این حملات هم اقوام ترک ساکن آسیای صغیر دیده شدند که از جمله آنها هون ها بودند که به رهبری آتیل ( تازیانه خدا) در حدود ۴۵۰ م به اروپای مرکزی و فرانسه دست یافتند ، رومی ها آتیل را به عنوان کتوله ای زشت که وحشیانه به این سو و آن سو نگاه کرده و از ترساندن مردم لذت می برد ، می نگریستند ( کاسمینسکی ، ۱۳۵۸ ، ۲۵۴ ) .

در حد فاصل دو قرن بعد از این اقوام جدیدی دنیای روم و یونان را مورد هجوم قرار دادند ، آنها مردمی از صحاری عربستان بودند ، اعراب که تازه با دین اسلام آشنا شده بودند ، به آرامی قدرت گرفته و شروع به حمله به نقاط دیگر و ترویج آیین خود در سرزمینهای جدید کردند ، آنها بعد از سوریه ، بین النهرین ، ایران و مصر در حدود ۷۱۱ م به اسپانیا رسیدند و سلطنت ژرمنها را برچیدند . در چنین شرایط آشفته ای اروپای قرون وسطی به دنبال برگرداندن حیثیت از دست رفته خود بود . اروپائیان که در طول تمام این دوران با جنگ و حمله اقوام دیگر روبه رو بودند ، گویی یکباره یاد مذهب و آیین از دست رفته خود افتادند ، در این مسیر نباید نقش کلیسا و راهبان مسیحی را کم تاثیر دانست ، آنها مهمترین عامل در ترویج مجدد دین مسیح و البته استفاده از آن به نفع خود را در نظر داشتند ، سایه کلیسا و دستگاه پاپ به مرور زمان بر مردم سایه می افکند ، بر پایی مجدد دیرها و صومعه ها ، کشیدن تصاویر مسیح در هنگام مصلوب شدن ، مکاتبه اسقف با سایر اسقفها در موارد شرعی و غیر شرعی ، همه اینها نوید تسخیر تفکر جامعه را به مسیحیون می داد ( نوزری ، ۱۳۷۳ ، ۱۸۷ ) . کلیسا بر این باور بود که مردم غیر متمدن و دچار ظلم و وحشی گری شده را به زندگی بهتر و والاتر رهنمون می سازد و آنها را در شاهراه تمدن و فرهنگ قرار دهد . در حدود سال ۳۸۰ م بود که کلیسا ، اولفیلای پیشوای مسیحی گنها را برای مسیحی کردن اقوام گت به نزد آنها فرستاد ، ترجمه ای که وی از انجیل کرده است اولین نوشته ای است که در میان اقوام ژرمن بوجود آمده است و به دنبال آن در حدود ۵۹۶ م فرانکها و ۶۹۶ م بر اثر تشویقهای اوگوستین که به کنتربری آمده بود اراضی کنت واقع در جنوب شرقی انگلستان به مسیحیت گرویدند ، مسیحیت موجب ایجاد امنیت در اقوام مختلف گردید ، یکپارچگی دینی ، خطر هجوم اقوام مختلف به یکدیگر را کاهش داد ، اسقف ها و بزرگان هر محل برای حفظ آرامش دست به دست هم دادند و با پیدایش شیوه فئودالیت، صلح و امنیت جانی تعمیم پیدا کرد . منتسکیو می گوید : (( تصادف عجیبی بود ، زوال امپراطوری رم با طلوع و پیشرفت مسیحیت مقارن گردید . او ضعیف می شد و این قدرت می یافت . بطوری که مسیحیت در قرن پنجم به عنوان دین رسمی اروپا بشمار می آمد )) . فئودالیزم شیوه ای بود